

موافقت‌نامه تریپس و نقش آن در گسترش حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲۲

محمدهادی میرشمسی^۱

چکیده

تجاری‌سازی محصولات فکری (Commercialization) به عنوان یکی از کارکردهای نظام مالکیت فکری، جزء اهداف سازمان‌های تجارت جهانی و مالکیت فکری برشمرده شده است. کشورها با توجه به منافع ملی و شرایط توسعه‌یافتگی خود، مقررات ملی مناسب در حوزه مالکیت فکری وضع می‌کنند؛ ولی این تلاش کافی نیست؛ چراکه با تفاوت در حقوق ملی کشورها و اصل سرزمینی حاکم بر حقوق مالکیت فکری، حمایت از این حقوق نیز متفاوت بوده، اشخاص دخیل در فرایند گردش محصول با پراکندگی و بی‌ثباتی مقررات حاکم روبرو خواهند شد. یکسان‌سازی یا هماهنگ‌سازی مقررات ملی کشورها و ایجاد مقررات فراملی لازم‌الاجرا به منظور کمک به تجارت آزاد مالکیت فکری، امری اجتناب‌ناپذیر است. موافقت‌نامه تریپس، با دارا بودن ویژگی‌هایی چون گستردگی موضوعات تحت شمول، ایجاد کمیته حمایت و الزام کشورها به رعایت آن، وضع اصول مبنایی حاکم بر مالکیت فکری، لحاظ ضمانت اجرا و نظام حل اختلاف و اعمال مهلت انتقالی با توجه به تفاوت در سطح پیشرفتگی کشورها از یک سو، و تعداد زیاد کشورهای عضو از سویی دیگر، در ایجاد نظام حقوقی واحد در حوزه مالکیت فکری بسیار مؤثر بوده است. این مقاله ابتدا سیر شکل‌گیری مقررات بین‌المللی از جمله تریپس را بررسی کرده، در ادامه ویژگی‌های تریپس را که موجب برتری این مقرره بر سایر مقررات بین‌المللی شده، مطالعه خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: موافقت‌نامه تریپس، حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری، اصل سرزمینی

بودن مقررات، اتحادیه‌های پاریس و برن، سازمان تجارت جهانی

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (mh_mirshamsi@yahoo.com).

مقدمه

قبل از تصویب مقررات بین‌المللی، از حقوق مالکیت فکری بر اساس قوانین ملی یا معاهدات دوجانبه حمایت می‌شد. در حوزه مالکیت صنعتی حمایت از دارندگان حقوق در کشورهای مختلف به دلیل تنوع حقوق و پراکندگی مقررات ملی مشکل بود. به علاوه اظهارنامه ثبت اختراع باید تقریباً به طور هم‌زمان در تمام کشورهای مد نظر تسلیم می‌شد؛ چراکه انتشار آن در یک کشور وصف تازگی را در کشورهای دیگر زائل می‌کرد. چنین مسائل عملی تمایل زیادی را برای غلبه بر این مشکلات ایجاد کرد (WIPO, 2008: 241). حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری نیز بر اساس معاهدات دوجانبه که در اواسط قرن نوزدهم رایج بود، به دلیل عدم جامعیت و فقدان شکل واحد مناسب نبود و در نتیجه نیاز به نظام متحدالشکل، تنظیم و تصویب کنوانسیون برن را در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶ در پی داشت (Ibid: 262).

بدین ترتیب منابع بین‌المللی حمایت از مالکیت فکری به اواخر قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. با توجه به تبادلات گسترده فرهنگی و اقتصادی در سطح بین‌الملل که در حال حاضر نیز وجود دارد، انگیزه برای توسعه سیستم حمایت بین‌المللی با اعتقاد به اینکه حمایت ملی صرف، به اندازه کافی مفید و مؤثر نمی‌باشد، وجود داشت (Max Planck Institute, 2009: 2). از سوی دیگر به موازات توسعه فناوری و رشد داد و ستدهای فراملی مالکیت فکری، حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری به دغدغه‌ای مهم برای حامیان آن، به‌ویژه ملت‌های توسعه‌یافته در زمینه فناوری تبدیل شده است (زمانی و میرزاده، ۱۳۹۲: ۵۵).

در نهایت به منظور تسهیل حمایت از مالکیت فکری در کشورهای خارجی، تعدادی کنوانسیون بین‌المللی، همانند کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی که اساساً به حمایت از حق اختراع می‌پردازد، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری و موافقت‌نامه مادرید راجع به جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع غیرواقعی یا گمراه‌کننده روی کالا، منعقد، و از این طریق قواعد مالکیت فکری در عرصه جهانی هماهنگ شد (همان).

با گذشت زمان، نظام حمایت از مالکیت فکری به طور وسیعی در سطح بین‌المللی با شکل‌گیری کنوانسیون‌ها و مقرراتی که حقوق بیشتر و کامل‌تری را شامل می‌شوند، توسعه یافت. موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) نیز یکی از این مقرراتی است که با دارا بودن موضوعات و احکام گسترده‌تری نسبت به مقررات بین‌المللی پیش از خود،^۱ برای بسیاری از کشورها لازم‌الاتباع بوده، با ارائه استانداردها و الزام به تمکین به آنها، موازین واحدی را در سطح بین‌الملل ایجاد، و مقررات ملی کشورها را به هم نزدیک کرده است.

بنا بر قولی مهم‌ترین تحول در تقویت نظام مالکیت فکری، برقراری ارتباط میان آن و تجارت آزاد است که در سازمان تجارت جهانی نهادینه شده است. موافقت‌نامه تریپس به حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت پرداخته و حداقل استانداردهای حمایتی را با رعایت اصولی برای همه کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی لازم می‌شمارد (دراهِوس، ۱۳۹۱: ۳۸).

از آنجایی که این موافقت‌نامه در چارچوب سازمان تجارت جهانی شکل گرفته و پذیرش آن برای کشورهای عضو این سازمان الزامی است و ایران نیز به عنوان عضو ناظر در مقام کسب آمادگی برای الحاق به این سازمان بوده و باید مقررات حوزه مالکیت فکری خود را با الزامات تریپس همسو سازد، در این مقاله ابتدا روند شکل‌گیری تریپس بررسی می‌شود، و در ادامه نقش آن را در گسترش موضوعی، حکمی و جغرافیایی حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱. شکل‌گیری تریپس

۱.۱. از اتحادیه‌های بین‌المللی تا وایپو

تمام مقررات بین‌المللی به منظور انجام وظایف اداری و تشکیلاتی خود، اتحادیه‌هایی را ایجاد می‌کنند (Max Planck Institute, 2009: 4). به موجب ماده ۱ کنوانسیون‌های برن و پاریس، اتحادیه‌ای برای حمایت از حقوق مؤلفان نسبت به آثار ادبی و هنری آنها و مالکیت

1. The TRIPs agreement is a comprehensive multilateral agreement on IP. (WTO, 2012: 10).

صنعتی تشکیل شده است.^۱ اتحادیه ابزار بین‌المللی است برای گسترش حمایت از آثار فکری و شناساندن آنها به جامعه بشری؛ هدفی که معاهدات دوجانبه برای نیل به آن کافی نیست (OMPI, 1978: 9). تشکیل اتحادیه نتیجه همکاری در سطح بین‌المللی است، همان‌گونه که در کنفرانس دیپلماتیک سال‌های ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ که منجر به تصویب کنوانسیون برن شد، علاوه بر کشورهای اروپایی، تعدادی از کشورهای آفریقایی مثل تونس و لیبیا، کشورهای آمریکایی مثل آرژانتین، کاستاریکا، السالوادور، ایالات متحده، هائیتی، هندوراس و پاراگوئه، و کشور ژاپن از آسیا حضور داشتند (Ibid). با شکل‌گیری اتحادیه، کنوانسیون فقط مقرر شده‌ای که موجب حقوق و تعهدات برای کشورهای عضو و بعضاً اشخاص خصوصی باشد، نیست؛ بلکه اتحادیه در نظام حقوق بین‌الملل یک نهاد حقوقی است که مشتمل بر ارکان مشخص و متعدد (مثل مجمع اتحادیه موضوع ماده ۱۳ کنوانسیون پاریس و ماده ۲۲ کنوانسیون برن، کمیته اجرایی موضوع ماده ۱۴ کنوانسیون پاریس و ماده ۲۳ کنوانسیون برن، دفتر بین‌المللی موضوع ماده ۱۵ کنوانسیون پاریس و ماده ۲۴ کنوانسیون برن و کنفرانس اصلاح و تجدیدنظر موضوع بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون پاریس و ماده ۲۷ کنوانسیون برن) است و برای نیل به هدف خود که حمایت از مالکیت ادبی - هنری یا صنعتی است، اقدام می‌کند (BIRPI, 1969: 19). به علاوه اتحادیه محل تعامل و ارتباط کشورهای عضو است، به گونه‌ای که اگر کشوری به نسخه‌ای از کنوانسیون ملحق شود، با تمام کشورهای عضو اتحادیه، حتی کشورهایی که به آن نسخه ملحق نشده‌اند، مرتبط می‌شود (OMPI, 1978: 9 - WIPO, 2007: 19-20) که این امر نقش بسیار مؤثری در گسترش حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری دارد.

۱. ماده ۱ کنوانسیون برن: «کشورهایی که در آنها این کنوانسیون اجرا می‌شود، اتحادیه‌ای را برای حمایت از حقوق مؤلفان نسبت به آثار ادبی و هنری‌شان تشکیل می‌دهند». همچنین بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون پاریس مقرر می‌کند که: «کشورهایی که در آنها این کنوانسیون اجرا می‌شود، اتحادیه‌ای را برای حمایت از مالکیت صنعتی تشکیل می‌دهند».

اتحادیه‌های برن و پاریس هر کدام مستقل از همدیگر (یکی برای کپی‌رایت و دیگری برای مالکیت صنعتی)، اجرای کنوانسیون‌های برن و پاریس را بر عهده داشتند. هر دو تحت نظارت دولت فدرال سوئیس قرار داشتند و مقر آنها در شهر برن سوئیس قرار داشت (WIPO, 2008: 4).

مسئلاً جدایی فعالیت این دو اتحادیه در حوزه مالکیت فکری و عدم همکاری و هم‌افزایی آنها روند حمایت بین‌المللی را در هر دو بخش مالکیت فکری یعنی ادبی - هنری و صنعتی کند کرده بود تا اینکه در سال ۱۸۹۳ این دو اتحادیه با هم ادغام شدند و دفتر بین‌المللی حمایت از مالکیت فکری (بیرپی)^۱ را تشکیل دادند. در سال ۱۹۶۰ این دفتر از برن به ژنو منتقل شد (Ibid).

در کنفرانس دیپلماتیک استکهلم در سال ۱۹۶۷ سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)^۲ بنیان نهاده و جایگزین بیرپی شد. مواد نهایی و مواد مربوط به اداره معاهدات چندجانبه موجود در آن زمان که توسط بیرپی اداره می‌شد، اصلاح گردید. در نتیجه اختیارات نظارتی دولت سوئیس حذف شد، تا سازمان جهانی مالکیت فکری جایگاهی مشابه سایر سازمان‌های بین‌الدول به دست آورده، راه برای تبدیل شدن آن به یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد هموار شود (Ibid).

کنوانسیون استکهلم به عنوان سند مؤسس وایپو در سال ۱۹۶۷، در استکهلم به تصویب رسید و از سال ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا گردید؛ هر چند ریشه آن را باید در کنوانسیون‌های پاریس و برن ۱۸۸۳ و ۱۸۸۶ جستجو کرد.

مدت مدیدی پیش از تأسیس سازمان ملل متحد، بیرپی یک سازمان بین‌الدولی مسئول در حوزه مالکیت فکری به شمار می‌رفت؛ لکن وایپو به عنوان جانشین آن پس از امضای

1. Bureaux internationaux réunis pour la protection de la propriété intellectuelle (BIRPI) United International Bureaux for Protection of Intellectual Property.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اختصار فرانسوی این عبارت مصطلح شده و در کلام و نوشتار از آن استفاده می‌شود.

2. World Intellectual Property Organization (WIPO)

Organisation mondiale de la propriété intellectuelle (OMPI).

موافقت‌نامه‌ای میان سازمان ملل متحد و وایپو که از ۱۷ دسامبر ۱۹۷۴ لازم‌الاجرا گردید، به یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد مبدل شد (Ibid: 5).

در موافقت‌نامه مذکور بر حمایت از فعالیت‌های فکری خلاقانه و تسهیل انتقال تکنولوژی مرتبط با مالکیت صنعتی به کشورهای در حال توسعه به منظور تسریع در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان وظیفه وایپو تصریح شده است. از آنجایی که کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد از حق عضویت در تمام آژانس‌های تخصصی این سازمان از جمله وایپو برخوردار هستند (همان‌گونه که در ماده ۵ کنوانسیون استکهلم ذکر شده است)، تکلیف وایپو به حمایت از مالکیت فکری در راستای تسریع در توسعه، کشورهای بسیاری را شامل شده، نقش این سازمان را در گسترش حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری به‌خوبی نشان می‌دهد.

این سازمان به عنوان یک چتر حمایتی برای تداوم اتحادیه‌های اداری به وجود آمد (Max Planck Institute, 2009: 5) و امروزه علاوه بر ادامه این مهم، اجرای بالغ بر ۲۳ معاهده را عهده‌دار است. رسالت وایپو حمایت از خلق، انتشار، استفاده و حمایت از آثار فکری انسان، از طریق همکاری بین‌المللی برای پیشرفت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نوع بشر است. نتیجه این رسالت از یک سو افزایش تعادل میان انگیزش برای خلاقیت در سراسر جهان، از طریق حمایت از منافع مادی و اخلاقی خالقان آثار بوده، و از سویی فراهم آوردن دسترسی به منافع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چنین خلاقیت‌هایی در سراسر جهان می‌باشد (WIPO, 2008: 5).

در حال حاضر یکی از مهم‌ترین وظایف وایپو بیرون آوردن مالکیت فکری از پشت پرده ابهام می‌باشد؛ به نحوی که به عنوان بخشی از زندگی روزمره شناخته شود، نه اینکه فقط افرادی که به طور مستقیم در سطوح دولتی، قانون‌گذاری، صنعتی و فرهنگی فعال هستند از ماهیت مالکیت فکری اطلاع داشته باشند؛ بلکه تمام افراد تشکیل‌دهنده جامعه مدنی - اعم از افراد فعال در سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌های تجاری کوچک، کشاورزان، دست‌اندرکاران عرصه بهداشت و سلامت، اشخاص حقیقی که دست به اختراع می‌زنند یا به بیان ساده، عموم افراد جامعه - با آن آشنایی داشته باشند. با درک اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط به عنوان ستون فقرات اقتصاد بازار در کشورهایی که اقتصاد آنها مبتنی بر این نظام اقتصادی می‌باشد، وایپو با هدف کمک به

فعال‌سازی نیروهای بالقوه این بنگاه‌ها به عنوان یک نیروی قدرتمند در پشت پرده تولید ثروت، طرحی را بنیان نهاده است (Ibid: 6-7).

تلاش‌های واپیو برای توسعه، با همکاری‌های دولتی و بین‌دولتی پیوندی ناگسستنی دارد؛ از جمله موافقت‌نامه منعقد شده میان واپیو و سازمان تجارت جهانی^۱ که به موجب آن، واپیو به کشورهای در حال توسعه برای اجرای موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی در مورد جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) یاری خواهد رساند (Ibid: 6).

۱.۲. از واپیو تا تریپس

محصولات فکری غیر مجاز^۲ و داد و ستد کالاهای تقلبی^۳ برای مدت زیادی در روابط اقتصادی نقش داشته (Max Planck Institute, 2009: 8) و موضوع مهمی در تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود (Matthews, 2003: 8). این موضوع در زمینه مذاکرات توکیو درباره موافقت‌نامه عمومی راجع به تعرفه و تجارت (گات)^۴ در خلال سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ بررسی شد؛ جایی که برای اولین بار رابطه میان موضوع مالکیت فکری و نظام تجارت جهانی پایه‌ریزی گردید (Ibid: 9). در نتیجه مذاکرات توکیو، با اهتمام ایالات متحده و اتحادیه اروپایی پیش‌نویس موافقت‌نامه‌ای با عنوان «موافقت‌نامه منع واردات کالاهای تقلبی» در سال ۱۹۷۹ تهیه شد (Evans, 1994: 158).

در سال‌های بعد این موضوع اهمیت یافت؛ منتها نه فقط به علت شدت نگران‌کنندگی این موضوع، بلکه به جهت صنعتی شدن کشورها، به‌ویژه در آسیا و به این علت که به‌آسانی می‌توان محصولات فناوری اطلاعات را کپی کرد. علاوه بر این موارد، موافقت‌نامه گات امکان محدودی را برای دفاع و مقابله با تجارت کالاهای تقلبی ایجاد کرده بود (Max Planck Institute, 2009).

1. World Trade Organization (WTO).

2. Product Piracy.

3. Trade in Counterfeit Goods.

4. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT).

در نتیجه این تحولات، حمایت از مالکیت فکری یک بار دیگر در مذاکرات بعدی گات (اروگوئه) مورد بررسی قرار گرفت. بعد از اینکه شک‌های اولیه درباره توانایی یا عدم توانایی گات برای این موضوعات از میان رفت، وضع مقررات جدید لازم دانسته شد؛ اما اختلاف زیاد و طولانی‌مدتی درباره اهداف و دامنه این مقررات وجود داشت. در آن دوره کشورهای درحال توسعه طرفدار گنجانیدن مقرراتی در گات بودند که تقلب محصولات فکری را پوشش می‌داد. در مقابل، کشورهای توسعه‌یافته با رویکرد بسیار گسترده‌تری از مقرراتی جامع که موضوعاتی چون دسترسی، محدوده و بهره‌برداری (استفاده) از حقوق مالکیت فکری را در برگیرد، طرفداری کردند. برای مدت زمان طولانی، هردو رویکرد به موازات هم تعقیب و دنبال شدند. در نهایت، رویکرد وسیع‌تر چیره شد و شکل فعلی موافقت‌نامه تریپس را به آن اعطا کرد (Max Planck Institute, 2009: 9 - Ryan, 1998: 109).

بنابراین موافقت‌نامه تریپس به عنوان موافقت‌نامه‌ای از سازمان تجارت جهانی، بخشی از حوزه حقوق بین‌الملل و جزئی از نظم تجارت جهانی است که ریشه‌های آن را می‌توان در موافقت‌نامه عمومی راجع به تعرفه و تجارت جستجو کرد.

سازمان تجارت جهانی به موجب موافقت‌نامه مراکش در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ تأسیس شد. اساس و پایه این سازمان بر موافقت‌نامه گات بنا شده است که در پایان مذاکرات اروگوئه شکل گرفت.^۱ (WTO, 2012: 4) این مذاکرات، اولین مذاکرات مربوط به گات است که به طور جدی به جنبه‌های تجاری موضوعات مالکیت فکری پرداخته است. نتیجه این مذاکرات، موافقت‌نامه تریپس به عنوان یکی از ضوابط موافقت‌نامه مؤسس سازمان تجارت جهانی می‌باشد که از اول ژانویه ۱۹۹۵ لازم‌الاجرا گردید (WTO, 2012: 8 – WIPO, 2008: 345).

1. The World Trade Organization is the successor to the former General Agreement on Tariffs and Trade (GATT 1947).

۲. نقش تریپس در گسترش حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری

۲.۱. تریپس و تأیید مقررات قبلی

موافقت‌نامه تریپس به هیچ وجه جایگزین نظام بین‌المللی موجود در حمایت از مالکیت فکری نشده است؛ بلکه بیشتر از طریق ارجاعات متعدد، به موافقت‌نامه‌های موجود یا رژیم سستی کمک می‌کند (2: Max Planck Institute, 2009). تریپس بر مبنای حقوقی ایجادشده توسط کنوانسیون‌های تحت نظارت وایپو (کنوانسیون‌های پاریس و برن) به وجود آمده است. در عین حال قانون‌گذاری جدیدی را در حقوق بین‌الملل تشکیل داده، کنوانسیون‌های تحت نظارت وایپو را مورد بازنگری و به‌روزرسانی قرار داده است (46: Matthews, 2003). این موافقت‌نامه در واقع مقررات ماهوی کنوانسیون‌های پاریس و برن را با ارجاع مستقیم پذیرفته است^۱

(WIPO, 2008: 347; WTO, 2012: 11). در حوزه حقوق مالکیت صنعتی، بند ۱ ماده ۲ تریپس کشورهای عضو را به رعایت مواد ۱ تا ۱۲ و همچنین ماده ۱۹ کنوانسیون پاریس ملزم کرده است. در واقع به موجب این ارجاع، تمام مقررات ماهوی کنوانسیون پاریس برای کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی لازم‌الاتباع شده است. به علاوه به موجب بند ۱ ماده ۹ موافقت‌نامه، کشورهای عضو به اجرای مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن و ضمیمه آن در خصوص حمایت از آثار ادبی و هنری ملزم می‌باشند. به علاوه در مواردی که کنوانسیون‌های پیشین حوزه مالکیت فکری، ساکت^۲ یا ناکافی^۳ باشند، این موافقت‌نامه تعهدات و مقررات ماهوی ایجاد و اضافه می‌نماید. عده‌ای رویکرد تریپس را در ارجاع به مقررات پیشین (به طور خاص

1. The TRIPs Agreement sets these standards firstly by requiring compliance with the substantive obligations of the main conventions of the World Intellectual Property Organization (WIPO), the Paris Convention and the Berne Convention in their most recent versions.

2. Silent.

3. Inadequate.

کنوانسیون‌های پاریس و برن) و در موارد لزوم تکمیل آنها به رویکرد پاریس مضاف^۱ یا برن مضاف^۲ توصیف می‌کنند (Max Planck Institute, 2009: 13; WTO, 2012: 11).

جدای از موارد بالا که صراحتاً به موادی از دو کنوانسیون ارجاع می‌دهند، بند ۲ ماده ۲ تریپس به محترم بودن تعهدات طرفین که ناشی از مقررات قبل از خود است، تصریح می‌کند (Matthews, 2003: 47). به موجب این ماده «هیچ چیز در قسمت‌های ۱ تا ۴ موافقت‌نامه حاضر به تعهداتی که اعضا ممکن است اکنون طبق کنوانسیون‌های پاریس، برن و روم و معاهده مالکیت فکری در مورد مدارهای یک‌پارچه در قبال یکدیگر داشته باشند، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد».

ملاحظه می‌شود که تریپس با تأیید مواد و مفاد ماهوی مقررات قبل از خود، به‌ویژه کنوانسیون‌های پاریس و برن که به ترتیب مهم‌ترین مقرره بین‌المللی در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی و هنری هستند، روند حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری را بر هم نزده و مسیر آن را ناهموار یا منحرف ننموده است، بلکه با ارجاع صریح به آنها و الزام کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی به رعایت بخش قابل توجهی از مقررات مذکور که از لحاظ محتوا مباحث ماهوی حمایت را تشکیل می‌دهند، نه تنها بر میزان و گستره حمایت‌های بین‌المللی مندرج در مقررات مذکور تأکید دارد، بلکه با به‌روزرسانی آنها در قالب سازمان تجارت جهانی که بخش عظیمی از تجارت بین‌المللی را تحت نظارت و کنترل خود دارد، بر محدوده کمی و کیفی آن افزوده است.

۲.۲. گستردگی موضوعات و اشخاص تحت شمول تریپس

نخست) گستردگی موضوعات مشمول تریپس: با لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه ی تریپس، حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری دستخوش تغییر اساسی قرار گرفت (Max Planck Institute, 2009: 2). توضیح اینکه تمام مقررات بین‌المللی راجع به حقوق مالکیت فکری، چه مقرراتی که قبل از شکل‌گیری تریپس تصویب و لازم‌الاجرا شده‌اند، مثل کنوانسیون‌های پاریس،

1. Paris-plus.

2. Berne-plus.

برن و روم، و چه مقررات بعد از تریپس مثل معاهدات وایپو در خصوص حقوق اختراع،^۱ حقوق علامت^۲ و اجراها و آوانگاشت‌ها^۳ فقط بخشی از مصادیق حقوق مالکیت فکری را شامل می‌شوند؛ لکن موافقت‌نامه تریپس سطح گسترده‌ای از موضوعات مالکیت فکری را شامل می‌شود.^۴ (WTO, 2012: 10) نه تنها در عنوان این موافقت‌نامه از اصطلاح «مالکیت فکری» استفاده شده، بلکه در عبارات مختلف آن، از جمله مقدمه^۵ و بخش اول آن که متضمن «مقررات عمومی و اصول اساسی»^۶ است، مالکیت فکری را به طور مطلق مد نظر قرار داده است. از همه مهم‌تر بند ۲ ماده ۱ موافقت‌نامه محدوده مالکیت فکری را مشخص کرده است. بنابراین «از نظر موافقت‌نامه حاضر اصطلاح مالکیت فکری به کلیه انواع مالکیت فکری که موضوع قسمت‌های ۱ تا ۷ بخش ۲ هستند،^۷ مربوط می‌شود». به عبارتی بند ۲ ماده ۱ موافقت‌نامه تریپس اصطلاح «مالکیت فکری» را فقط از طریق ارجاع به مجموع مقررات آن در بندهای ۱ تا ۷ از بخش ۲ تعریف می‌کند (Max Planck Institute, 2009: 2).

در بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت فکری (کنوانسیون استکهلم) عبارت «مالکیت فکری» تعریف شده است. اما باید توجه داشت معنایی که توسط موافقت‌نامه تریپس از این عبارت مد نظر قرار گرفته، محدودتر از تعریفی است که در کنوانسیون مؤسس وایپو پیش‌بینی شده است.

وجود تریپس در مجموعه مقررات سازمان تجارت جهانی و تبعاً ضرورت توجه بازیگران تجارت بین‌المللی (اعم از دولت‌ها، سازمان‌ها و اشخاص خصوصی) به آن، موجب اعتبار آن شده

1. Patent Law Treaty (PLT).

2. Trademark Law Treaty (TLT).

3. WIPO Performance and Phonogram Treaty (WPPT).

4. The TRIPs Agreement is a comprehensive multilateral agreement on IP. It deals with each of the main categories of IPRs, establishes standards of protection of IPRs.

5. Preamble.

6. General Provisions and Basic Principles.

۷. این موارد به ترتیب عبارتند از: حقوق مؤلف و حقوق مرتبط، علائم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، ورقه‌های اختراع، طرح‌های ساخت مدارهای یک پارچه و اطلاعات افشانشده.

و در میان مقررات بین‌المللی مرتبط با حقوق مالکیت فکری، این موافقت‌نامه نقش ویژه‌ای به عهده دارد. گستردگی موضوعات مشمول این موافقت‌نامه بر این اعتبار افزوده است؛ چراکه تبدلات گسترده‌ای را در صحنه تجارت بین‌الملل پوشش می‌دهد. در این باره، فقط کنوانسیون پاریس با موافقت‌نامه تریپس قابل مقایسه است (Max Planck Institute, 2009: 12).

در حوزه مالکیت ادبی و هنری، تریپس مقررات کنوانسیون برن را در مفهوم رویکرد برن مضاعف مورد تأکید و تبیین قرار می‌دهد (ماده ۹) و علاوه بر آن بند ۱ ماده ۱۰ با لحاظ برنامه‌های رایانه‌ای به عنوان اثر ادبی، تصریح می‌کند که این برنامه‌ها مشمول حمایت‌های کنوانسیون برن هستند. این حمایت، قطع نظر از روشی است که این برنامه‌ها به‌وسیله آنها ابراز شده است (WIPO, 2008: 349).

پس از آنکه موافقت‌نامه تریپس لازم‌الاجرا شد، سازمان جهانی مالکیت فکری صراحتاً حمایت از برنامه‌های رایانه‌ای را در مقرره فرعی کنوانسیون برن (معاهده کپی رایت وایپو ۱۹۹۶)^۱ تنظیم کرد (مواد ۴ و ۵ معاهده) (Max Planck Institute, 2009: 17).

در خصوص علائم تجاری موافقت‌نامه تریپس ضمن تأیید^۲ مفاد کنوانسیون پاریس (مواد ۶ تا ۹)، به مفاد آن محدود نشده، بلکه مواردی را به آن اضافه کرده است. برای مثال حقوق ناشی از ثبت علامت، محدودیت‌های وارد بر حمایت و مدت حمایت، به‌خوبی در موافقت‌نامه تریپس تبیین شده است؛ درحالی‌که کنوانسیون پاریس موضع کاملاً گویایی نسبت به آن ندارد (WTO, 2012: 57). وانگهی قواعد اضافه‌ای برای ورود علائم خدمات در قلمرو موافقت‌نامه تریپس ایجاد شده است (بند ۱ ماده ۱۵، بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۶ و بند ۳ ماده ۶۲). (Max Planck Institute, 2009: 19) توضیح اینکه نگاه کنوانسیون پاریس به علامت تجاری - به معنای خاص که صرفاً نشان تمایزبخش کالا را شامل می‌شود - و علامت خدمت یکسان نیست. بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون که در بازنگری سال ۱۹۲۵ لاهه به کنوانسیون اضافه گردیده (BIRPI, 1969: 21) و در مقام تعریف و بیان مصادیق مالکیت صنعتی است، از علامت تجاری به عنوان

1. WIPO Copyright Treaty (WCT).

۲. شیوه پذیرش با ارجاع (Incorporation by Reference).

یکی از پدیده‌های صنعتی مشمول حمایت نام می‌برد؛ درحالی‌که علامت خدمت و الزام کشورها به حمایت از آن در سال ۱۹۵۸ به پیشنهاد ایالات متحده و سوئد وارد نسخه لیسیون کنوانسیون شد و در ماده ۶ سادس جای گرفت^۱ (BIRPI, 1969: 127) همچنین به موجب بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون حمایت از علامت تجاری منوط به ثبت آن است (BIRPI, 1969: 89)، ولی طبق ماده ۶ سادس کنوانسیون کشورها به حمایت از علامت خدمت حتی بدون ضروری دانستن ثبت آن ملزم هستند (Max Planck Institute, 2009: 312; BIRPI, 1969: 128). درحالی‌که از دید موافقت‌نامه تریپس از علامت خدمت همانند علامت تجاری (به معنای خاص) در صورتی حمایت می‌شود که آن علامت به ثبت برسد (WTO, 2012: 55).

به علاوه موافقت‌نامه تریپس اولین مقررہ بین‌المللی است که از علامت تجاری تعریف ارائه نموده است (بند ۱ ماده ۱۵). قابل توجه اینکه در این تعریف علامت تجاری در معنای عام لحاظ شده، علامت خدمت^۲ را نیز شامل می‌شود (WTO, 2012: 54). تبعیت کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی از این تعریف، نقش تریپس را در یکسان‌سازی و ایجاد هماهنگی در حقوق ملی کشورهای عضو مشخص می‌سازد (Matthews, 2003: 54).

دوم) گستردگی اشخاص^۳ مشمول تریپس: در کنوانسیون‌های راجع به حقوق مالکیت فکری به تعهد کشورهای عضو به حمایت از صاحبان حق در دیگر کشورهای عضو اشاره شده است و این اشخاص در بند ۳ ماده ۱ موافقت‌نامه تریپس مشخص شده‌اند (WTO, 2012: 14). طبق

۱. برخی از منابع در تبیین تفاوت کنوانسیون پاریس و موافقت‌نامه تریپس در خصوص علامت خدمت بیان داشته‌اند که کنوانسیون پاریس فقط از علامت کارخانه و علامت تجاری حمایت می‌کرد (since the ... Paris Convention protected only manufacturers' marks and trademarks. Max Planck Institute, 2009: 19) ولی جدای از نادرست بودن این گفته، به نظر می‌رسد مؤلف نیز بر این اعتقاد نباشد؛ چراکه در صفحه ۳۱۲ همان منبع به حمایت از علامت خدمت در کنوانسیون پاریس وفق ماده ۶ سادس تصریح شده است. البته لازم به ذکر است که منبع مذکور یک اثر مشترک یا جمعی و دارای نویسندگان متعدد بوده، مؤلفان صفحات مورد ارجاع یک شخص نیست.

2. Service Mark.

3. Beneficiaries.

این حکم که مقرر می‌دارد: «اعضا رفتاری را که در موافقت‌نامه حاضر پیش‌بینی شده است در مورد اتباع اعضای دیگر اتخاذ خواهند کرد...» حمایت باید به اتباع اعضای دیگر^۱ اعطا شود. پی‌نوشت شماره ۱ این بند مفهوم «تابعیت»^۲ را تبیین کرده است. به موجب این متن توضیحی برای تعیین اتباع باید به قلمرو گمرکی مجزای کشورهای عضو^۳ توجه کرد و منظور از اتباع اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که در این قلمرو گمرکی یا دارای اقامتگاه بوده یا تأسیسات صنعتی یا تجاری واقعی و مؤثر داشته باشند (Max Planck Institute, 2009: 86). طبق این تعریف اشخاص حقیقی یا حقوقی که ارتباط نزدیکی^۴ با عضو سازمان تجارت جهانی دارند، بدون اینکه الزاماً تابعیت آن کشور عضو را داشته باشند، تبعه محسوب شده، ذی‌نفع در حمایت خواهند بود (WTO, 2012: 14). بند ۳ ماده مذکور پس از اینکه با کمک پی‌نوشت مبین خود دامنه اتباع را از لحاظ مفهومی مشخص می‌کند، به کنوانسیون‌های پیشین مالکیت فکری ارجاع داده، چنین مقرر می‌کند که: «... برای رعایت حقوق مالکیت فکری مربوطه، اتباع اعضای دیگر، آن دسته از اشخاص حقیقی یا حقوقی خواهند بود که معیارهای لازم را برای برخورداری از حمایت پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های پاریس (۱۹۶۷)، برن (۱۹۷۱) و رم و معاهده مالکیت فکری در خصوص مدارهای یکپارچه را ... دارا باشند.» به عبارت دیگر موافقت‌نامه تریپس برای تعیین اشخاصی که مشمول حمایت می‌شوند، مستقیماً تعیین معیار نمی‌کند، بلکه با ارجاع به مقررات مذکور ملاک‌های مندرج در آنها را مورد تبعیت قرار می‌دهد. به عبارتی معیارهای تریپس برای تعیین اشخاص ذی‌نفع و برخوردار از حمایت شبیه ملاک‌هایی است که در کنوانسیون‌های پاریس، برن و رم پیش‌بینی شده است (OMPI, 2011: 7).

این نحوه قانون‌گذاری نه‌تنها موجب تقویت مقررات قبلی از مجرای تأکید بر مفاد آن می‌باشد، بلکه با خودداری از وضع مستقیم احکام موجب جلوگیری از بروز تعارض و ناهماهنگی بین مقررات بین‌المللی می‌شود؛ چراکه چنانچه مقنن در وضع احکام جدید نسبت به سابقه

1. Nationals of other members.

2. Nationality.

3. Separate customs territory member of the WTO.

4. Close Attachment.

قانون‌گذاری اشراف و دقت کافی نداشته باشد، تقنین جدید متضمن حکمی متفاوت از احکام قبلی یا احکامی کمتر یا بیشتر از مقررات قبل خواهد بود که مجال تفسیر را فراهم آورده، اقوال و انظار مختلف و شاید متضاد را در خصوص دامنه شمول و تعیین اشخاص ذی‌نفع پدید می‌آورد و این نتیجه با اهداف مقررات بین‌المللی از جمله تریپس مبنی بر ایجاد مقرر و رویه واحد بین‌المللی و یکسان‌سازی یا حداقل هماهنگ‌سازی مقررات ملی کشورها سازگار نخواهد بود.

با توجه به ارجاع تریپس به مقررات دیگر، لازم است به طور جداگانه مقررات مذکور را بررسی کنیم. در خصوص حقوق مالکیت صنعتی مادتين ۲ و ۳ کنوانسیون پاریس اشخاص ذی‌نفع و مشمول حمایت را مشخص کرده است. به موجب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون حقوق مالکیت صنعتی اتباع (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی)^۱ یک کشور عضو در سایر کشورهای عضو از حمایت برخوردار خواهند بود (WIPO, 2007: 27) و وفق ماده ۳ این کنوانسیون، اشخاصی که در یکی از کشورهای عضو دارای اقامتگاه بوده یا دارای تأسیسات صنعتی یا تجاری واقعی و مؤثر^۲ باشند، مورد حمایت قرار دارند (WIPO, 2007: 33).

در خصوص حقوق مالکیت ادبی و هنری، مادتين ۳ و ۴ کنوانسیون برن، مؤلفین مشمول حمایت را برشموده‌اند. بند ۱ ماده ۳ اتباع کشور عضو اتحادیه برن را مورد حمایت دانسته، پدیدآورنده‌ای که تابعیت یکی از کشورهای عضو را ندارد، ولی اثر او برای نخستین‌بار در یکی از کشورهای عضو یا به طور هم‌زمان در یک کشور عضو و کشوری غیرعضو منتشر می‌شود، حمایت می‌کند. به موجب بند ۲ این ماده چنانچه پدیدآورنده‌ای به طور معمول و متعارف در یکی از کشورهای عضو ساکن باشد، مشمول حمایت است (WIPO, 1978: 26). ماده ۴ کنوانسیون برن در مورد آثار خاص می‌باشد. طبق بند ۱ این ماده اگر مرکز اصلی تولیدکننده اثر سینمایی یا محل سکونت معمولی وی در یکی از کشورهای عضو باشد، پدیدآورنده اثر سینمایی مورد حمایت خواهد بود و چنانچه اثر معماری در یکی از کشورهای عضو بنا شده باشد یا اثر گرافیکی و

1. Natural and Legal Persons.

2. Real and Effective Industrial or Commercial Establishments.

وصف «واقعی» و «مؤثر» در بازنگری سال ۱۹۰۰ در بروکسل وارد متن شده است. (WIPO, 2007: 33)

تجسمی در ساختمانی واقع در یکی از کشورهای عضو به کار رفته باشد، پدیدآورندگان این آثار مشمول حمایت هستند؛ هر چند تابعیت کشوری از کشورهای عضو اتحادیه برن را نداشته باشد (OMPI, 1978: 32).

در خصوص صاحبان حقوق مجاور نیز کنوانسیون رم در مواد ۴، ۵ و ۶ اشخاص مورد حمایت را مشخص می‌سازد. این مواد به ترتیب در خصوص اجراکنندگان، آوانگاران و سازمان‌های پخش، مشمول حمایت هستند (OMPI, 1981: 33-40).

همچنین ماده ۵ معاهده مالکیت فکری در خصوص مدارهای یکپارچه با متنی شبیه مادتين ۲ و ۳ کنوانسیون پاریس اشخاص ذی‌نفع را معین کرده است (WTO, 2012: 14).

۳. مؤثر بودن سازوکارهای حمایتی تریپس

نخست) اصل عدم تبعیض:^۱ یکی از اصول اساسی سازمان تجارت جهانی اصل عدم تبعیض است که بر تجارت کالاها، تجارت خدمات و مالکیت فکری جاری می‌گردد (WTO, 2012: 16). این اصل خود مشتمل بر دو جزء است: اصل رفتار ملی^۲ و اصل رفتار دولت کامله الوداد.^۳ این دو اصل تمام مصادیق مالکیت فکری مذکور در موافقت‌نامه را پوشش داده است و نه تنها استانداردهای ماهوی مربوط به حمایت را شامل می‌شود، بلکه امور مربوط به دسترسی، اکتساب، قلمرو، حفظ و ضمانت اجرای حقوق مالکیت فکری را در بر می‌گیرد (Ibid).

اصل عدم تبعیض که به معنای یکسانی حمایت بدون در نظر گرفتن تابعیت اشخاص است و در مواد ۳ تا ۵ موافقت‌نامه تریپس پیش‌بینی شده است، به گسترش بین‌المللی حقوق مالکیت فکری و تجارت جهانی آن کمک شایانی می‌کند.

اصل رفتار ملی: این اصل یکی از اصول عمده در حقوق تجارت جهانی و حقوق بین‌المللی مالکیت فکری است. در میانه قرن نوزدهم، توسعه جهانی تجارت نیاز صاحبان حق را به گسترش حمایت از مالکیت فکری به وجود آورد؛ نیازی که قبلاً به واسطه محدود دانستن حقوق ملی به

1. Non-discrimination Principle.

2. National Treatment Principle.

3. Most-favored-nation Treatment Principle.

اتباع خودی (اصل سرزمینی بودن)^۱ نادیده گرفته شده بود. تریپس با تصویب اصل رفتار ملی، وسیله‌ای مؤثر را برای هماهنگ‌سازی سنت و قانون ملی کشورها در حوزه حقوق مالکیت فکری به کار بست (Max Planck Institute, 2009: 151).

این اصل به معنای یکسانی حقوق و امتیازات بین اتباع خود و اتباع سایر کشورهای عضو است. به موجب بند ۱ ماده ۳ تریپس: «هر عضو در مورد اتباع اعضای دیگر رفتاری را اتخاذ خواهد کرد که از رفتار در مورد اتباعش در خصوص حمایت از مالکیت فکری نامطلوب‌تر نباشد». لازم به ذکر اینکه در خصوص اعمال این اصل، استثنائات مذکور در چهار مقررہ تحت مدیریت سازمان جهانی مالکیت فکری (کنوانسیون‌های پاریس، برن و رم و معاهده مالکیت فکری در خصوص مدارهای یکپارچه) مجری خواهد بود (WTO, Ibid: 16). مفاد این ماده با عبارات به‌کاررفته در کنوانسیون‌های پاریس (مادتین ۲ و ۳) و برن (مواد ۳ تا ۵) قابل مقایسه است (OMPI, 2011: 8). در خصوص حقوق مرتبط، اصل رفتار ملی فقط برای دارندگانی که در موافقت‌نامه تریپس ذکر شده‌اند، اجرا می‌شود (WTO, Ibid: 17).

اصل رفتار دولت کامله‌الوداد: بر خلاف اصل رفتار ملی که در مقررات مصوب قبل از تریپس نیز پیش‌بینی شده است، اصل رفتار دولت کامله‌الوداد برای نخستین بار توسط تریپس وارد حوزه بین‌الملل حقوق مالکیت فکری شد (WTO, Ibid: 17). به موجب ماده ۴ این موافقت‌نامه: «هرگونه مزایا، منافع، امتیازات یا معافیتی که در خصوص حمایت از مالکیت فکری، یک عضو به اتباع هر کشور دیگر اعطا کند، فوراً و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی در مورد اتباع تمام اعضای دیگر پذیرفته خواهد شد...».

اصل رفتار دول کامله‌الوداد به مبانی توسعه و تلاش‌های لیبرالیسم سازمان تجارت جهانی وابسته است و همراه با اصل رفتار ملی، به جلوگیری از فعالیت‌های تبعیض‌آمیز و کاستن از موانع تجارت کمک کرده، همچنین بازار داخلی اعضا را گسترش می‌دهد (Max Planck Institute, 2009: 160).

اصول رفتار ملی و رفتار دولت کامله‌الوداد در سطح ملی و بین‌المللی، مکمل هم می‌باشند: هدف اصل رفتار ملی جلوگیری از تبعیض میان صاحبان حق خارجی و داخلی است؛ حال آنکه اصل رفتار دولت کامله‌الوداد خواستار رفتاری یکسان و برابر بین خارجیان و اتباع کشورهای مختلف است.

دوم) استانداردهای حداقلی:^۱ کشورها، از جمله کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، از نظر برخورداری از مالکیت فکری و همچنین داشتن یا وضع مقررات ملی یا الحاق به مقررات بین‌المللی نه تنها در یک سطح نیستند، بلکه فاصله و تفاوت بین کشورها زیاد و نیازمند تدبیری آگاهانه است. مسلماً منافع ملی کشورها هم اقتضای یکسانی مقررات مالکیت فکری را ندارد. این تفاوت آشکار از یک سو، و ضرورت مدیریت و هدایت تجارت جهانی مالکیت فکری به گونه‌ای که با گسترش و تشویق تبادل بین‌المللی دانش و محصولات مبتنی بر آن، حقوق صاحبان اندیشه با کمترین نقض روبه‌رو باشد از سویی دیگر، مشکلی فرا روی سازمان تجارت جهانی است؛ سازمانی که به طور هم‌زمان ارتقای حمایت مناسب و کافی از مالکیت فکری و رفع موانع تجارت مشروع و آزاد را از اهداف خود دانسته است.^۲ (WTO, Ibid: 12-13). مقررات ملی پراکنده، متفاوت و ناهماهنگ، یکی از مهم‌ترین موانع تجارت و عاملی برای نقض حقوق مالکیت فکری است. بنابراین ترپس باید بر ایجاد وحدت و یکسان‌سازی مقررات ملی کشورهای عضو تلاش کند و در این راستا به تفاوت سطح توسعه‌یافتگی کشورها و میزان برخورداری آنها از مالکیت فکری توجه نماید. این موافقت‌نامه مشکل ایجاد یک سطح قابل مقایسه از حمایت برای حقوق مالکیت فکری را به وسیله تحمیل حداقل استانداردها (استانداردهای حداقلی اجباری)^۳ حل می‌کند. با توجه به موقعیت‌های مختلف اعضای سازمان تجارت جهانی نسبت به حقوق مالکیت فکری، به نظر می‌رسد این شیوه تنها راه ممکن پیش رو برای یکسان‌سازی حمایت از مالکیت فکری باشد (Max Planck Institute, 2009: 14).

1. Minimum Standards.

۲. در مقدمه ترپس و همچنین ماده ۷ آن به تفصیل اهداف سازمان تجارت جهانی بیان شده است.

3. Imposing Minimum Standards.

به موجب بند ۱ ماده ۱ این موافقتنامه، کشورهای عضو ملزم به اجرای این الزامات حداقلی هستند، ولی امکان فراتر رفتن از این استانداردها و وضع حمایت‌های بیشتر برای آنها وجود دارد؛ به شرطی که با اهداف موافقتنامه مغایر نباشد. به علاوه، اعضا در انتخاب روش خود برای اجرای حداقل استانداردها هم آزادند.

قابل ذکر اینکه این استانداردها فقط به اصل حمایت مربوط نبوده، بلکه علاوه بر آن، موضوعات مشمول حمایت، دامنه حقوق اعطایی، محدودیت‌ها و استثنای مجاز بر این حقوق و محدوده زمانی حمایت را شامل شده، برای کشورهای عضو الزام‌آور می‌باشد (WIPO, 2008: 349).

سوم) ضمانت اجرا^۱ و حل اختلاف^۲:

ضمانت اجرا: اساساً کنوانسیون‌ها شامل اصولی درباره اجرای مفاد خود نبوده‌اند و به علت نواقص و کمبودهای آشکار در حوزه اجرا، متعاقباً مقررات شفاف‌کننده‌ای اضافه شده که طبق آن هر امضاکننده‌ای موظف است اقدامات لازم را برای تضمین اجرای مقرر مورد نظر مطابق با اساسنامه آن، اتخاذ نماید (Max Planck Institute, 2009: 4).

وجود مقررات مربوط به ضمانت اجرا (مواد ۴۱ تا ۶۱) تریپس را در موقعیت شایسته و درخور توجه قرار داده است. این مقررات به طور ویژه تضمین می‌کنند که استانداردهای پیش‌بینی شده در بخش ۲ تریپس فاقد قدرت اجرایی باقی نماند (Max Planck Institute, 2009: 30). تریپس با لازم‌الاجرا دانستن اصولی عام، اتخاذ رویه‌های مناسب ضمانت اجرا و جبران خسارت را به حقوق ملی کشورها واگذار کرده است (WTO, Ibid: 12, 136). رویه‌هایی که برای مقابله با نقض حقوق مالکیت فکری باید مؤثر و در دسترس بوده، منصفانه و عادلانه باشد و پیچیدگی و هزینه غیرضروری نداشته، در آن مهلت‌های غیرمعقول با معطلی‌های بی‌جهت وجود نداشته باشد (WIPO, 2007: 355) باشد.

حل اختلاف: یکی از عناصر اصلی سازمان تجارت جهانی، سیستم حل و فصل اختلافات است که بر تجربیات موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) بنا شده است

1. Enforcement.

2. Dispute Settlement.

(Max Planck Institute, 2009: 4). در واقع تریپس با توجه به نظام حل اختلاف پیش‌بینی‌شده در گات، فرآیند قابل ملاحظه‌ای را در ضمانت اجرای حقوق مالکیت فکری در صحنه بین‌المللی ایجاد کرد. قبل از تریپس ماده ۲۸ کنوانسیون پاریس، ارجاع اختلافات به دیوان بین‌المللی دادگستری را به امضاکنندگان کنوانسیون پیشنهاد می‌داد؛ ابزاری که خیلی موفق و مؤثر نبود (Max Planck Institute, 2009: 32). ولی سازمان تجارت جهانی با پذیرش مواد ۲۲ و ۲۳ موافقت‌نامه گات و گنجاندن آن در ماده ۶۴ موافقت‌نامه تریپس، نهادی بین‌المللی و فراگیر در خصوص حل و فصل اختلافات در مورد حقوق مالکیت فکری بنا نهاد. رکن حل اختلاف^۱ که مرجع صالح برای رسیدگی است، دارای فرآیندی مناسب و سازگار با اهداف سازمان مذکور می‌باشد (WTO, 2007: 161).

وجود یک مرجع بین‌المللی حل اختلاف که به تبع گستردگی فعالیت سازمان تجارت جهانی و تعداد زیاد کشورهای عضو، مقبولیت جهانی داشته و مورد مراجعه قرار می‌گیرد، می‌تواند با ایجاد رویه‌ای واحد در حل و فصل اختلافات، به همگونی و هماهنگی حمایت از حقوق مالکیت فکری در سطح جهانی کمک شایانی نماید؛ شیوه‌ای که مسلماً اهداف نظم جهانی تجارت را مد نظر قرار می‌دهد و به گونه‌ای از حقوق مالکیت فکری حمایت می‌کند که علاوه بر احترام به حقوق صاحبان اندیشه و اصحاب دعوا، ایجاد تعادل بین حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده و برقراری توازن بین حقوق و تعهدات، این نحوه حمایت مانع گردش آزاد و مشروع علم و فناوری در سراسر جهان نشده، در نهایت به تأمین رفاه اجتماعی و اقتصادی^۲ منجر گردد (WTO, 2007: 13).

چنین فرمول منحصر به فردی از مشخصه نظام جهانی تجارت است. سازمان تجارت جهانی ابتدا شرایط را برای مذاکره طرفین اختلاف فراهم می‌کند. اگر پس از اینکه محدوده زمانی مشخص‌شده منقضی شد و مذاکرات ناموفق باقی ماند، عضو شکایت‌کننده می‌تواند پرونده را به هیئت حل اختلاف ارجاع داده و درخواست ایجاد پنل (صورت اسامی افراد شرکت‌کننده) بنماید (Max Planck Institute, 2009: 6).

1. Dispute Settlement Body (DSB).

2. Social and Economic Welfare.

نتیجه

نظام مالکیت فکری طی چهار مرحله ایجاد انگیزه^۱ و ابداع، حمایت^۲، تجاری سازی^۳ و ایجاد ضمانت اجرا^۴ از مالکیت فکری به طور خیلی منسجم و نظام مند حمایت می کند. منظور از حمایت نظام مند، داشتن نگاهی جامع و ابزارانگارانه به مالکیت فکری است؛ به گونه ای که با حمایتی مدبرانه از تمام اشخاص، اعم از اشخاص دخیل در آفرینش اثر فکری، از جمله پدیدآورنده و مصرف کنندگان - چه اشخاص حقیقی و چه اشخاص حقوقی - کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته و برقراری تعادل بین حقوق و تعهدات طرفین، ابزار و وسیله ای کارا برای دستیابی به رفاه اجتماعی و اقتصادی و توسعه باشد.

مقررات مناسب به اندازه ای از فعالان حوزه دانش حمایت می کند که انگیزه آنها را تقویت کرده، با ایجاد انحصار موقت، وضعیت مالی و مادی آنها را سامان بخشد. همچنین در اعطای این انحصار، از حقوق جامعه غافل نمانده، دارنده حق را در اعمال حق انحصاری خود تحت نظر و کنترل داشته، مانع سوء استفاده وی و اضرار به جامعه می شود. مقررات ملی مناسب در بهترین کارایی خود غالباً فقط در حوزه شمول و اجرایی کشور مربوط، به عنوان قانون صلاحیت دار و حاکم شناخته می شوند و با گردش مال فکری در بازار و خروج از آن کشور، قانون قبلی حکومت خود را از دست داده، قانون کشور جدید صلاحیت دار خواهد بود. اعمال قوانین ملی مختلف که در بسیاری از موارد از لحاظ محتوا و ماهیت، مثل مدت و میزان حمایت، با هم تفاوت دارند، حقوق قراردادی و غیرقراردادی دارنده حق و سایر اشخاص را به تشنگی، پراکندگی و بی ثباتی مبتلا کرده، تمایل به تجاری سازی جهانی و ورود محصولات فکری را به بازارهای غیرملی کاهش می دهد. عدم تجاری سازی فراملی موجب انباشت دانش در قلمرو سرزمینی خاص و محرومیت دیگران از آن شده، هزینه های مصرفی برای خلق و تولید دانش و سرمایه گذاری صورت گرفته، برگشت داده نمی شود.

-
1. Generation.
 2. Protection.
 3. Commercialization.
 4. Enforcement.

به منظور رفع این مشکل باید مقررات ملی کشورها را شبیه، همسو یا یکسان کرد و به وضع مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی مناسب و فراگیر اقدام نمود. جامعه بین‌الملل از اواخر قرن نوزدهم به این مهم اقدام کرده، با وضع کنوانسیون‌های پاریس و برن حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری را بنا نهاد و با امری دانستن بسیاری از مفاد و الزام کشورها به رعایت آن، حقوق داخلی کشورهای عضو را به هم نزدیک کرد. کافی و کارآمد نبودن این مقررات در نظم نوین تجارت جهانی، به دلایلی چون تفاوت در موضوعات تحت شمول و اختصاص هر کدام از این کنوانسیون‌ها به شاخه‌ای از مالکیت فکری، کامل نبودن اصل عدم تبعیض، عدم جامعیت حمایت‌های حداقلی لازم الاتباع برای کشورهای عضو، نداشتن اصول و مقررات جامع در مورد ضمانت اجرای حقوق مالکیت فکری، عدم تدارک نظام کارآمد پیشگیری از اختلاف و نظام حل و فصل آن و همچنین امکان عدم الحاق کشورها به هر دو مقرر که منتج به التزام به پاره‌ای از حقوق مالکیت فکری می‌شود، جامعه جهانی را به رفع نواقص موجود از طریق تدارک مقرره‌ای جدید و وارد کردن مالکیت فکری به قالب تجارت جهانی متقاعد ساخت. موافقت‌نامه تریپس در کنار مقررات مربوط به تجارت کالا و خدمت، وارد مقررات سازمان تجارت جهانی شده، علاوه بر تأیید مفاد ماهوی و مؤثر کنوانسیون‌های پاریس و برن و تأکید بر آن، قواعد الزام‌آوری را برای کشورهای عضو ایجاد نمود.

پذیرش مواد زیادی از کنوانسیون‌های مذکور توسط این موافقت‌نامه، شیوه بسیار مناسبی در امر قانون‌گذاری است؛ چراکه با احترام به مقررات پیشین خود، بر اعتبار آنها افزوده، هنجارها و امور متعارف و مأنوس کشورها و جامعه بین‌الملل را بر هم نمی‌زند. ضمن اینکه با ارجاع به مفاد آن مقررات، از وضع جدید و مستقل مباحث پیشین که امری غیرضروری است، خودداری کرده، مانع بروز اختلاف و تعارض در متون می‌شود. تریپس در اقدامی مشهور به پاریس مضاف یا برن مضاف، کمبودها و نواقص پیش‌گفته آن کنوانسیون‌ها را برطرف ساخته، مقررات مناسب تجارت امروزی و جهانی را بر آنها افزوده است. پیش‌بینی مصادیق مختلف مالکیت صنعتی در کنار موضوعات مالکیت ادبی و هنری و اجرای اصول واحد در خصوص حمایت از آنها، محدوده شمول، ضمانت اجرا و شیوه حل اختلافات مربوط به آنها، باعث ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در حقوق مالکیت فکری شده است و کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی با تمکین به تریپس، به حمایت از مالکیت فکری و نه مالکیت صنعتی یا ادبی و هنری تن

می‌دهند. موافقت‌نامه تریپس با ارجاع به کنوانسیون‌های قبلی، گستره پیشین مالکیت فکری را در سطح بین‌المللی تثبیت کرده، با تکمیل آن و ارائه اصول و مقرراتی جدید که متناسب با تجارت آزاد، مشروع و بدون مانع امروزی، سازگار با اهداف و اصول سازمان تجارت جهانی است، محدوده آن را گسترش داده، حمایت بین‌المللی را به طور تحسین‌آمیز و قابل ملاحظه‌ای تقویت کرده است.

منابع

فارسی

۱. تیان، یی ژون، بازان‌دیشی در مالکیت فکری - اقتصاد سیاسی حمایت از کپی‌رایت در عصر دیجیتال، ترجمه سید قاسم زمانی و منا السادات میرزاده، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۲.
۲. دراهوس، پیتز، فلسفه مالکیت فکری، ترجمه محمود حکمت‌نیا، علی تقی‌خانی و مهدی معلی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.

انگلیسی

1. BIRPI, Guide d'Application de la Convention de Paris pour la Protection de la Propriété Industrielle, Royaume-uni, 1969.
2. Drahos (Peter) and Mayne (Ruth), Global Intellectual Property Rights, Palgrave Macmillan, New York, 2002.
3. Dutfield (Graham) and Suthersanen (Uma), Global Intellectual Property Law, Edward Elgar, 2008.
4. Evans (Gorge), Intellectual Property as a Trade Issue, Cambridge, 2007.
5. Groves (Peter J), Sourcebook on Intellectual Property Law, Gavendish Publishing Limited, London, 1997.
6. Max Planck Institute for Comparative Public Law and International Law, WTO – Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights, Martinus Nijhoff Publishers Leiden, Boston, 2009.
7. Matthews (Duncan), Globalising Intellectual Property Rights, the TRIPs Agreement, London, 2002.
8. OMPI, Guide de la Convention de Rome et de la Convention de Phonogrammes, Organisation Mondiale de la Propriété Intellectuelle, Genève, 1981.

9. OMPI, Guide de la convention de Berne pour la protection des œuvres littéraires et artistiques (Acte de Paris, 1971), Organisation mondiale de la propriété intellectuelle, Genève; 1978.
10. OMPI, Incidences de l'Accord sur les ADPIC sur les traités administrés par l'OMPI, Genève, 2011.
11. WIPO, WIPO Intellectual Property Handbook, WIPO Publication, Geneva, 2008.
12. WIPO, Guide to the Application of the Paris Convention for the Protection of Industrial Property, WIPO Publication, Geneva, 2007.
13. WIPO, Guide to the Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works (Paris Act, 1971), WIPO Publication, Geneva, 1978.
14. WTO, A Handbook on WTO-TRIPs Agreement, Cambridge University Press, 2012.